



The Recognition of Version of *Mahamed-e- Heydariyeh* on the basis of Cognitive Textual Criticism with an In-Text and Out-of-Context Approach

Hossein Bromandmoghaddam

Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: h.boromandmoghaddam@hsu.ac.ir

Ali Tasnimi

*Corresponding author, Assistant Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: a.tasnimi@hsu.ac.ir

Mehyar Alavimoghaddam

Associate Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: m.alavi.m.@hsu.ac.ir

Ahmad Fotohinasab

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran. Email: a.fotohinasab@hsu.ac.ir

Abstract

Objective: The present study seeks to draw a pattern of analytic recognition with a less well-known critique of the work of *Mahamed-e- Heydariyeh* based on the textual criticism approach and qualitative analysis method. Based on this model, the text in question has been examined in terms of linguistic description, resource critique, methodological correction, content analysis, and in terms of linguistic-literary style of the author's prose at three lexical, syntactic, and rhetorical levels.

Methodology: In this paper, layer-by-layer textual analysis is used to provide an analytical recognition of Mohammad Heydariyeh's textual criticism based on the recognition of work in two levels: "in-text" and "in-text". In this research, the textual role, the method of correction and the analytic cognition of the text will be examined by looking at the interaction of each section with the other. Next, Mohammad Heydariyeh, as a work that has not yet been edited and published, from the point of view of linguistic texts, resource criticism, correction method, content analysis, author-prose linguistic-literary analysis, in triple lexical, syntactic, and rhetorical levels.

Findings: Linguistic scholars today no longer regard language as a collection of disordered sounds and signs; rather, they believe that language is a regular network of interconnected levels that outside of each language level is an outlet for another. From this point of view, in the correction operation, the existence of a light map of the text replaces the correct arguments for the variant's superiority to the variant approach to the "mother version" style and gives the textual critique a theoretical framework. From the perspective of proofreading, looking at the comparative critique of surviving versions and replacing consciousness with reasoning and explaining the priority of recording and editing with the original method is the best correction strategy.

Conclusion: *Mahamed-e- Heydariyeh's* book is a valuable work of prose, written by Mohammad Sadiq Khan Akhtar with a magnificent pen and dedicated to the king of Awadeh city Ghazi-al-Din Haidar. The surviving works of the Persian language authority in India are of great importance and have a great linguistic-stylistic value. In his book, he mentions many of the great scholars of science, culture, literature, and the arts and provides information and information about them. He has also narrated stories of some rare wonders. The existence of this book and other similar texts indicates that the scientific language prevailing in the eastern subcontinent, especially in the Shiite regions of India, was explicit Persian.

Keywords: Critical correction, Analytical recognition, Mahamed-e- Heydariyeh, Manuscript, Textual criticism.

نسخه‌شناختِ محامد حیدریه بر مبنای نقد متن‌شناختی

با رویکرد درون‌متنی و برون‌متنی

حسین برومند مقدم

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: h.boromandmoghaddam@hsu.ac.ir

علی تسنیمی

*نویسنده مسئول، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: a.tasnimi@hsu.ac.ir

مهیار علوی مقدم

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: m.alavi.m.@hsu.ac.ir

احمد فتوحی نسب

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. رایانامه: a.fotoohinasab@hsu.ac.ir

چکیده

هدف: پژوهش حاضر بر آن است تا با نقد اثری کمتر شناخته‌شده به نام *محامد حیدریه* بر مبنای رویکرد نقد متنی و روش تحلیل کیفی، الگوی شناخت‌نامه تحلیلی اثر را ترسیم نماید. مطابق این الگو، متن مورد بحث از حیث شناسنامه متن‌شناختی، نقد منابع، روش تصحیح مرتبط با هویت نسخه‌شناختی، تحلیل محتوا و از حیث سبک زبانی- ادبی نثر مؤلف در سطوح سه‌گانه واژگانی، نحوی و بلاغی بررسی شده است.

روش‌شناسی: در این مقاله برای تهیه شناخت‌نامه تحلیلی *محامد حیدریه* با رویکرد نقد متنی مبتنی بر شناخت اثر در دو سطح «درون‌متن» و «برون‌متن»، از روش تحلیل لایه‌ای متن استفاده شده است.

یافته‌ها: نظریه‌پردازان علوم زبان‌شناسی، امروزه دیگر زبان را توده‌ای از آواها و نشانه‌های بی‌نظم نمی‌دانند؛ بلکه به زعم ایشان، زبان شبکه‌ای نظام‌مند از سطوح به‌هم‌وابسته‌ای است که برونداد هر سطح زبانی، دروندادی برای سطح دیگر است. از دریچه این نوع نگاه، در عملیات تصحیح، وجود نقشه سبکی از یک متن، ذوق و اجتهاد مصحح را جایگزین استدلال‌های سبکی برای برتری واریانت نزدیک به سبک «نسخه مادر» می‌کند و به نقد متنی، چهارچوب نظری می‌بخشد.

نتیجه‌گیری: *محامد حیدریه* اثر ارزشمندی به نثر است که توسط محمداصداق خان اختر با قلمی فاخر و پندآموز تألیف شده و به پادشاه شهر آوده یعنی غازی‌الدین حیدر تقدیم می‌گردد و در جایگاه یک متن ادبی- تاریخی با رویکردی تعلیمی از یک شاعر شیعی و یکی از آثار برجای‌مانده از روزگار اقتدار زبان فارسی در هند، دارای اهمیت فراوان و ارزش زبانی- سبکی بسیاری است.

کلید واژه‌ها: تصحیح انتقادی، شناخت‌نامه تحلیلی، محامد حیدریه، نسخه خطی، نقد متن‌شناختی.

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۳۹۹، دوره ۲۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۹۰، صص. ۲۵-۵۲.

تاریخ ارسال: ۹۸/۹/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۶

مقدمه

نقد و تصحیح متون با وجود پیشینه دیرینه‌ای که در اقلیم فرهنگی ما دارد، در سامان کنونی پژوهشی و آموزشی، هنوز از حیث مبانی نظری علمی، جایگاهی بسزا نیافته است؛ البته جایگاه تجربه و اجتهاد در دانش تصحیح، جایگاهی غیرقابل انکار است، اما فقدان مبانی نظری مستقل و رویکرد تجربی محض، سایه سنگین ذوق و فردیت مصحح را از سر متن، کوتاه نخواهد کرد. تصحیح یا بررسی متن به این معناست که کتاب مورد نظر را تا حد امکان به همان صورتی که مؤلف نگاشته است، با رعایت ویژگی‌های امانت‌داری، تهذیب، تصحیح و در مواردی که اشتباه مؤلف محرز است، آن را اصلاح نموده و در حاشیه تذکر داده شود.

فن تصحیح نیازمند دانش گسترده است و به یقین ذوق نیز در آن دخالت دارد، اما بیش از آن، جنبه‌های فنی کار بسیار مهم است تا بتوان به پشتوانه این تکنیک، میراث ارزشمند پیشینیان را حفظ و حراست کرد. دیرینگی دانش نقد و تصحیح متون، به روزگاری می‌رسد که آدمی از راه‌یابی خطا به رونوشت‌برداری و استنساخ آگاه شد و در پی چاره‌ای برای آن برآمد؛ روزگاری که نباید از آغاز پرداختن انسان به رونویس‌گری چندان دور باشد.

هدف اولیه از نقد و تصحیح علمی متون و نسخ خطی نگارش‌های پیشینیان، احیاء و آماده بهره‌برداری کردن متون بوده است. تهیه و تدوین نسخه‌های مانند نسخه اصل یا نزدیک به آن، به محققان اطمینان می‌دهد که اگر اصل یک اثر را در اختیار ندارند، نسخه‌ای را منطبق با اصل متن یا بسیار نزدیک به آن در پیش‌رو خواهند داشت؛ نسخه‌ای که تصرفات کاتبان - نویسندگانی غیر از مؤلف که متن با واسطه ایشان به دست ما رسیده است - در آن به حداقل ممکن برسد. تصرفات عمدی و غیرعمدی کاتبان را در شش دسته و گروه اصلی طبقه‌بندی کرده‌اند: (۱) تصحیف و تحریف (۲) سقط و فروافتادگی (۳) زیادت و تکرار (۴) تقدیم و تأخیر (۵) خطای دستوری و (۶) خطای املائی (جهانبخش، ۱۳۷۸، ص. ۴۷-۴۴).

شناخت انواع این تصرفات رونویس‌گران در متن و طبقه‌بندی این تصرفات، پیچیده و دشوار بوده و محتاج تخصص و صرف وقت و حوصله فراوان است. شاید از همین جهت، کمتر مورد اهتمام برخی متن‌شناسان واقع شده است. «قواعد هنر تصحیح متون، از روان‌شناسی مایه می‌گیرد؛ در واقع، تصحیح متون چیزی جز توجه به علل عدم دقت نسخه‌بردار نیست» (ساماران، ۱۳۷۵، ص. ۹۵/۴).

محامد حیدریه اثر ارزشمندی به نثر است که توسط محمدصادق خان اختر در سال ۱۲۲۹ هجری قمری با قلمی فاخر و پندآموز تألیف می‌شود و به پادشاه شهر آوده^۱ یعنی غازی‌الدین حیدر (ف. ۱۲۴۳ هـ. ق) تقدیم می‌گردد و به عنوان یک متن ادبی-تاریخی از یک شاعر شیعی و یکی از آثار برجای‌مانده از روزگار

اقتدار زبان فارسی در هند، دارای اهمیت و ارزش ادبی بسیاری است. وجود این کتاب و دیگر متون مشابه نشان از آن دارد که زبان علمی حاکم در حوزه شرق شبه قاره، به ویژه در دارالسلطنه لکنهو^۱، منطقه شیعه‌نشین هند، فارسی فصیح و بلیغ بوده است.

محامد حیدریه با نثری دلنشین، موزون و مسجع که به تلاش مؤلف کتاب، در خلال حکایات کوتاه نکات اخلاقی و اجتماعی پندآموزی را یادآور می‌شود، به سبک و سیاق گلستان سعدی شیرازی نگارش شده است اما این مسئله در تمام طول متن به زبان اختر جاری نمی‌گردد و خود به این نکته اشاره‌ای نمی‌کند.

بیان مسئله

برای تصحیح یک متن، می‌توان این مراتب و مراحل را در نظر گرفت: الف) بررسی پیشینه اثر: قبل از شروع به کار تحقیق و تصحیح و جمع‌آوری نسخه/ نسخه‌ها، باید مطمئن شد که آیا نسخه خطی مورد نظر، چاپ شده است یا خیر؟ و اگر چاپ شده، تحقیق بایسته متقن دارد یا خیر و آنگاه به جمع‌آوری نسخه‌ها پرداخت؛ ب) شناسایی نسخه‌ها؛ ج) تقسیم و ترتیب نسخه‌ها در صورت تعدد نسخ؛ د) بررسی و تصحیح متن؛ ه) رسم الخط و اعراب (ضبط حرکات)؛ و) تقسیم متن و شماره‌گذاری آن؛ ز) علایم ویرایشی؛ ج) پاورقی-ها؛ ط) فهرست و نمایه‌ها؛ ی) شیوه نگارش مقدمه مصحح؛ ک) فهرست منابع و مأخذ (نقل با تلخیص. نظری، ۱۳۸۶، صص. ۲۸۵-۲۷۸).

مبانی نظری مستقل در دانش تصحیح شکل نخواهد گرفت، مگر آن‌که همسو و همپای گسترش عملی این دانش و صنعت، پشتوانه نظری آن نیز فربه گردد و توان پاسخ‌گویی به نیازهای برخاسته از پیچیدگی‌های سرشتینه و طبیعی آن را دارا شود (جهانبخش، ۱۳۸۷).

در حقیقت تصحیح و احیای یک متن کلاسیک کهن، کار سترگی است که حتی بیش از تألیف و نگارش همان متن، محتاج دقت و عنایت و جهد است؛ این نگاه از گذشته‌های دور در فرهنگ اسلامی وجود داشته است چنان که جاحظ بصری گفته است: «و لربما أراد مؤلف الكتاب أن يُصْلِحَ تحريفاً أو كلمةً ساقطةً، فيكون إنشاءً عشرَ ورقاتٍ من حُرِّ اللفظ و شريف المعاني أيسرَ عليه من إتمام ذلك النقص حتى يردّه إلى موضعه من اتصال الكلام» (هارون، ۱۴۱۴ ق، ص. ۴۸؛ با اندکی تصرف). (ترجمه: چه بسا یک مؤلف کتاب وقتی بخواهد تحریف یا کلمه افتاده‌ای را اصلاح نماید، نگارش ده برگ کتاب به صورت آزاد و [خلق] معانی بلند برای او از

برطرف کردن آن کاستی آسان‌تر است؛ به ویژه بدان‌گونه که [بخواهد] آن اصلاح را در جای خودش قرار دهد و پیوند سخن گسسته نشود).

ضرورت و اهمیت پژوهش

نسخه خطی محامد حیدریه از جمله کتبی است که تاکنون تصحیح و چاپ نشده است. احیا و تصحیح انتقادی این کتاب که در شبه قاره هند به زبان فارسی فصیح و بلیغ تألیف شده است، باعث شناخت بیشتر نسبت به آثاری می‌شود که در زمان حاکمیت زبان فارسی در آن منطقه وسیع به منصفه ظهور رسیده‌اند و احیا و تصحیح انتقادی اینگونه کتب، گامی مؤثر در شناخت تاریخ زبان و ادبیات فارسی قرن سیزدهم هجری قمری است که در منطقه شرق هند (شهر لکهنو و هوگلی) رواج داشته است و بر اساس آن می‌توان نفوذ و گسترش زبان فارسی را بر کشورهای ایران اشتراکات قومی و فرهنگی و نژادی داشته و دارند، مورد مطالعه قرار داد.

همچنین از آن جایی که این نسخه خطی حاوی اطلاعات ارزشمندی پیرامون اشعار مؤلف و شاعران دیگر و نیز معرفی بزرگان فرهنگ و ادب و نیز خوشنویسان معاصر مؤلف است و از سوی دیگر اطلاعات تاریخی و جامعه‌شناختی بدیعی از شهر لکهنو در سال ۱۲۲۹ ق و پیش از آن می‌دهد، بر ضرورت تصحیح اثر مذکور می‌افزاید. تصحیح این نسخه، در حقیقت احیای یک اثر مهم و معرفی بیشتر نویسنده و شاعری است که آن‌چنان که بایسته است، به دوستداران زبان و ادبیات فارسی معرفی نشده است.

پیشینه پژوهش

جدا از پیشینه مطالعاتی درباره متن (پیشینه محتوا)، در خصوص روش پژوهش پیش‌رو (استفاده از نقد متنی و مطالعات نظری و سبکی در عملیات تصحیح)، هنوز در مطالعات متن‌شناختی، رویکردی جدی بین متن‌پژوهان شکل نگرفته است. با وجود گستردگی دامنه مطالعات متن‌شناختی و قدمت تصحیح متون در ایران، هنوز رویکرد سنتی و فاقد مبنای نظری مستقل در تصحیح متون فارسی غلبه دارد.

از مهمترین پژوهش‌های انجام گرفته در مسیر نقد متنی متون فارسی با مبنای نظری، می‌شود به دو مقاله «معرفی انتقادی، متن‌شناسی و نقد متنی حماسه ناشناخته شاهنامه / سدی» (۱۳۹۱) و «متن‌شناسی انتقادی (نقد متنی) نسخ یکی از نظیره‌های شاهنامه فردوسی (شاهنامه / سدی) و...» (۱۳۹۵) از فرزاد قائمی اشاره کرد. نویسنده در مقاله نخست، به تجزیه و تحلیل شناخت‌نامه متن در سه لایه نحوی، واژگانی و بلاغی می‌پردازد و در مقاله پسین، بر مبنای نظریه ۱۲ گام آلد، در اولویت‌سنجی واریانت‌های متون، به بررسی کمی

و کیفی تفاوت‌های نسخ متن و انتخاب روش تصحیح متن، بر پایه اصول این نظریه و یافته‌های تحقیق می‌پردازد.

پیرامون بحث اصلی مقاله یعنی تصحیح نسخه خطی محامد حیدریه و نیز تلاش در مسیر شناساندن این اثر، تاکنون پژوهشی صورت نپذیرفته است.

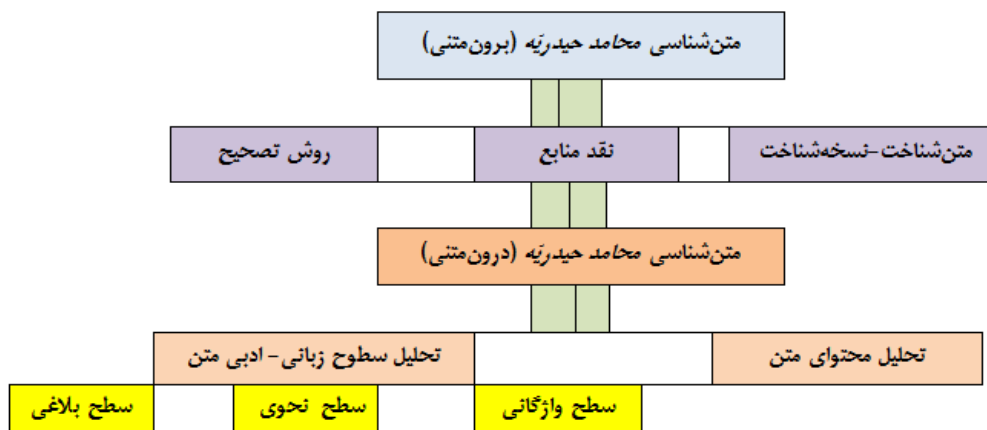
روش‌شناسی پژوهش

هر متن، ویژگی‌های خاص و فردیت مؤلف را نشان می‌دهد؛ عناصر سبک‌ساز در یک متن ممکن است از همه امکانات زبان در هر پنج سطح زبانی (واجی، واژگانی، نحوی، معنایی و بافتی) گزینش شده باشد (فتوحی، ۱۳۹۱، ص. ۲۱۰). رویکردهای جدید متن‌شناسی، مبتنی بر پژوهش‌های زبانی-سبکی است. زبان‌شناسی با استفاده از دانش زبانی و سبک‌شناسی با استفاده از ظرفیت خود برای تحلیل متن، نتایجی درخور برای تفسیر و نقد متون به دست می‌دهد و دریافتهای نوینی را از متون ادبی و حتی غیرادبی ارائه می‌کند. برخلاف متن‌شناسی سنتی که متن را تنها در چهارچوب فیلولوژی و معناشناسی و تنوع ضبط بررسی می‌کرد؛ در متن‌شناسی جدید، با استفاده از دو بال «زبان‌شناسی» و «مطالعات متنی»، نقد متن رویکردهای جدیدی را شکل داده است و یافته‌های متفاوتی را برای تحلیل به پژوهشگر هدیه می‌کند. این مقاله نیز بر سویه دوم این رویکردهای جدید یعنی مطالعات متنی، در ارتباط با مؤلفه‌های سبکی پرداخته است. در رویکرد جدید به متن بر اساس نظریات جدید، تنها ویژگی‌های دستوری و صوری زبان مدنظر نیست؛ بلکه بافت، متن، تحلیل و دریافت از کل اثر حائز اهمیت است. در این شیوه، منتقد به دنبال دست‌یافتن به مشخصه‌هایی است که بتوان از آن طریق به دنیای تجربیات ذهنی و تفکرات فرد دست یافت (فقیری، جهانگیری و فتوحی، ۱۳۸۶).

امروزه دیگر زبان به عنوان توده‌ای از آواها و نشانه‌های بی‌نظم شناخته نمی‌شود، بلکه شبکه‌ای نظام‌مند است که از سطوح به هم‌وابسته‌ای تشکیل شده که برونداد هر سطح زبانی، دروندادی برای سطح دیگر است. بر اساس سطوح زبانی آواشناسی، واژه‌سازی، نحو، معنی‌شناسی و کاربردشناسی برای تحلیل ویژگی‌های یک متن، می‌توان به لایه آوایی، لایه واژگانی، لایه نحوی، لایه معنی‌شناختی و لایه کاربردشناختی قائل شد (فتوحی، ۱۳۹۱، ص. ۲۳۷). در این پژوهش، در نقد متنی محامد حیدریه، با رویکرد نقد متنی مبتنی بر شناخت متن در دو سطح «درون‌متن» و «برون‌متن»، برای تهیه شناخت‌نامه تحلیلی متن، از روش تحلیل لایه‌ای متن استفاده شده است؛ در این روش، ضمن تحلیل روساختی نسخ متن، ژرف‌ساخت معنا نیز که توسط نویسنده منتقل می‌شود، در سطح تنوع واریانتهی نسخ، تجزیه و تحلیل می‌گردد. ارزیابی شواهد داخلی نسخ، در کنار اطلاعاتی که شواهد بیرونی مستخرج از نسخه‌های خطی را تشکیل می‌دهد و تحلیل نقشه

سبکی یک متن که به پروژه بازسازی نسخه مادر کمک می‌کند، در کنار تحلیل متنی، شکل‌گیری روش تصحیح آن را نیز بر مبنای داده‌های متون ممکن می‌کند (وردانک، ۱۳۸۹، ص. ۹۳).

در ادامه الگوی نقد متنی متن محامد حیدریه بر مبنای تهیه شناخت‌نامه تحلیلی متن در دو سطح «درون‌متن» و «برون‌متن» به شکل زیر ترسیم می‌شود که در بخش بحث و بررسی، اجزای این الگو، مورد پژوهش واقع خواهد شد.



شکل ۱. الگوی نقد متنی محامد حیدریه، بر مبنای تهیه شناخت‌نامه تحلیلی متن

نگارندگان جستار حاضر برآنند تا با مبنا قراردادن نقد متن‌شناختی محامد حیدریه، در مسیر مطالعه نسخه‌شناختی آن، به تنظیم شناخت‌نامه تحلیلی متن مذکور با رویکرد نقد متنی بکوشند؛ محامد حیدریه تاکنون تصحیح و چاپ نشده است.

نگاهی گذرا به زندگی قاضی محمدصادق خان اختر و آثارش

آختر، قاضی محمدصادق خان هوگلی (۱۲۷۵-۱۲۰۱ ه. ق)، فرزند محمد لعل، نویسنده و شاعر فارسی و اردوزبان شبه قاره هند است که در هوگلی، از توابع شهر کلکته به دنیا آمد. نسب وی به خواجه ناصرالدین عبیدالله احرار می‌رسد (صبا، ۱۳۴۳، ص. ۵۹۱). قاضی محمدصادق اختر، سرآمد شاعران پارسی‌گوی قرن سیزدهم هجری بود که از طرف پادشاه لقب «ملک‌الشعرایی» گرفت و به دریافت سمت قاضی اوده و صدرالصدوری نیز فایز گردید. او در نظم و نثر به طور یکسان مهارت داشت و در اردو و فارسی، صاحب دیوان شعر است. وی در روزگاری که در لکهنو و توابع آن به سر می‌برد، در شاعری و ترسل شهرت فراوان یافت؛ در مجالس مشاعره و مباحثات ادبی شرکت می‌کرد و بسیاری از شاعران و ادیبان با او دوستی و مصاحبت داشتند

(قادربخش، ۱۹۶۶م، ص. ۲۶۰). اختر از لحاظ خصایل انسانی و فضایل علمی در میان معاصران خود ممتاز بود و از دقایق علوم ادبی آگاهی تمام داشت.

از جمله مهمترین آثار وی به زبان فارسی و اردو می‌توان اشاره کرد به: *آفتاب عالم‌تاب* (تذکره ۴۲۶۴ شاعر فارسی‌گو)؛ *بهار بی‌خزان* (مجموعه نثر و نظم اختر به فارسی)؛ *حدیقه‌الارشاد* (انشا و ترسل و القاب و خطابات به فارسی)؛ *دیوان غزلیات فارسی*؛ *مثنوی سراپاسوز* (مثنوی بزومی به زبان اردو در ۶۵۰ بیت)؛ *صبح صادق* (سرگذشت مؤلف به زبان فارسی)؛ *گلدسته محبت* (گزارش سفر لُرد هیستینگز از کلکته به لکهنو و دیدار او با غازی‌الدین حیدر به زبان فارسی)؛ *محامد حیدریه*؛ *مخزن‌الجواهر* (شرح حال فرمانروایان هفت اقلیم از آغاز تا عهد بابریان شبه قاره در عصر مؤلف).

همچنین عنوان‌های برخی از دیگر آثار اوست: *بهار اقبال*، *تاریخ مآثرالملوک*، *گلزار خسروی*، *گنج نیرنگ*، *شمس‌المدایح*، *لوامع‌النور فی وجوه‌المنثور*، *مفید‌المستفید*، *نقود‌الحکم*، *نور الانشاء*، *هفت اختر* و *هفت دانش* (سکسینه، بی‌تا، ص. ۲۳۵).

بحث و بررسی

وجود نقشه سبکی از یک متن در عملیات تصحیح، ذوق و اجتهاد «مصحح» را (که دیگر تبدیل به منتقد شده است)، جایگزین استدلال‌های سبکی برای برتری واریانت نزدیک به سبک «نسخه مادر»^۱ می‌کند و به نقد متنی، چهارچوب نظری می‌بخشد.

در این بخش، نقش متنی، روش تصحیح و شناخت‌نامه تحلیلی متن، با نگاه به تعامل هر بخش بر دیگری، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در ابتدا، نسخه‌شناسی متن پژوهیده خواهد شد.

متن‌شناسی برون‌متنی محامد حیدریه

متن‌شناخت - نسخه‌شناخت محامد حیدریه

نسخه‌های خطی به خصوص نسخه‌های کهنه و قدیمی، اغلب فرسوده و پاره و کثیف و اوراق شده است و غیر از مالیدگی خطوط و محوشدن کلمات، ممکن است سقط و نقص داشته باشد. گاهی به قدری نسخه بدخط و ناخواناست که برای خواندن آن متن‌شناس دچار سردرگمی‌های فراوانی می‌شود.

در مسیر شناخت ویژگی‌های اثر، نویسنده و مؤلف کتاب را نخست باید از نوشته خود وی در متن کتاب شناخت و یا شاگرد و راوی و مستملی و مجاز و مورخ و سرگذشت‌نگار، آن را معین می‌کند یا این که در نسخه از مؤلف نام برده می‌شود (پیش‌نمازاده، ۱۳۸۱). از نکات قابل توجه در محامد حیدریه این است که مؤلف آن‌جا که کلام به سمت اطاله رفته و مسیر بحث اصلی منحرف می‌شود، با خطاب به خود و به گونه‌ای حدیث نفس، خود را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهد و بدین شیوه از خود یاد می‌کند که این مقوله، نکته بدیع و هوشمندانه‌ای جهت تحریف اثر به شمار می‌آید.

«این اختر شوریده‌سر گوید که نخل عشقی که از گلشن جان و حدیقه روح و روان قد کشیده باشد، ریشه‌اش به تیشه هزار سفر از زمین دل برآوردن و برکندن آسان نیست» (۷۲).^۱

بر پایه جستجوهای انجام‌گرفته پیرامون این اثر، فهرست نسخه‌های خطی در ایران (فنخا)، تنها یک نسخه از محامد حیدریه را در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۸۵۲۱ نشان می‌دهد، ولی با جستجوهای به عمل آمده به کمک کتابداران محترم مجموعه، دو نسخه دیگر به شماره‌های ۱۷۶۲۴ و ۲۸۵۲۱ در همین کتابخانه آستان قدس رضوی شناسایی شد.

با توجه به ۳ نسخه معتبر حاصل‌آمده، نسخه چاپ سربی قدیم به شماره ۴۶۹۴۸ کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به علت قدیمی بودن تاریخ چاپ در سال ۱۲۳۸ قمری به عنوان نسخه اساس انتخاب شد؛ از آنجایی که این نسخه ۳ سال بعد از تأسیس چاپخانه در لکهنو توسط غازی‌الدین حیدر و با نظارت مؤلف انجام گرفته است، بنابراین نسخه معتبر، کم‌غلط و قابل اطمینانی است که برای آن حرف رمز «الف» انتخاب شد. نسخه خطی دیگر با شماره ۱۷۶۲۴ کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی به کتابت سال ۱۲۴۰ قمری، علی‌رغم آسیب‌دیدگی اوراق، نسخه مصحح و مقابله شده‌ای می‌باشد که حرف رمز آن «ب» انتخاب گردید. نسخه سوم به شماره ۲۸۵۲۱، در تاریخ ۱۲۵۳ قمری کتابت شده است. این نسخه با توجه به سنی‌مذهب بودن کاتب، افتادگی‌های فراوانی دارد که در جایگاه خودش، به شرح آن پرداخته خواهد شد. برای نسخه مذکور نیز حرف رمز «ج» انتخاب شد.

نسخه خطی محامد حیدریه از جمله آثاری است که یک بار به شکل سنگی در هند به چاپ رسیده، اما تصحیح منقح و کاملی تاکنون از آن صورت نپذیرفته است. ویژگی‌های ظاهری نسخه‌های به دست آمده، به شرح ذیل است.

۱. ذکر شماره صفحات بر اساس «نسخه اساس» است که در ادامه از آن با نام «نسخه الف» یاد می‌شود.

نسخه «الف» چاپ سری قدیم به شماره ۴۶۹۴۸

تاریخ تألیف: سال ۱۲۲۹ هجری قمری؛ مؤلف: اختر، محمدصادق بن محمد لعل (۱۲۷۵-۱۲۰۱ ه.ق)؛ تاریخ چاپ: سال ۱۲۳۸ هجری قمری؛ نوع خط: نسخ ۲۱ سطری؛ رنگ کاغذ: نخودی رطوبت رسیده؛ بر اثر رطوبت و سیاه شدن کاغذ، بعضی نوشته‌ها ناخوانا؛ تعداد اوراق: ۲۸۸ صفحه + ۳۵ صفحه تقریظات^۱؛ نوع جلد: تیماج؛ دارای یادداشت مالکیت دستنویس در پشت برگ اول از محمدهادی بن خواجه محمد شوشتری و مهر مربع در صفحه اول و آخر کتاب با نقش لاله الا الله الملك الحق المبين عبده محمدهادی و مهر بیضی با نقش عبده محمد بن حاجی علی؛ بالای همه اوراق مهر کلیشه‌ای با نقش شیر و پرچم و ماهی.

نسخه خطی «ب» به شماره ۱۷۶۲۴

تاریخ تألیف: سال ۱۲۲۹ هجری قمری؛ مؤلف: اختر، محمدصادق بن محمد لعل (۱۲۷۵-۱۲۰۱ ه.ق)؛ کاتب: لکهنوی، عزیزالله؛ تاریخ کتابت: سال ۱۲۴۰ قمری؛ نوع خط: نستعلیق شکسته؛ تعداد سطرها: ۱۳؛ رنگ کاغذ: حنایی کرم‌خورده؛ تعداد اوراق: ۲۱۰؛ نوع جلد: مقوا؛ واقف: نجفی، شبیر حسن؛ نسخه توسط ناصر علی و شیخ حسین بخش مقابله و تصحیح شده است و در یادداشت انتهای نسخه دیده می‌شود.

نسخه خطی «ج» به شماره ۲۸۵۲۱

تاریخ تألیف: سال ۱۲۲۹ هجری قمری؛ مؤلف: اختر، محمدصادق بن محمد لعل (۱۲۷۵-۱۲۰۱ ه.ق)؛ کاتب: فیض محمد؛ تاریخ کتابت: سال ۱۲۵۳ هجری قمری؛ نوع خط: نستعلیق ۱۳ سطری؛ رنگ کاغذ: نخودی؛ تعداد اوراق: ۱۴۴؛ اندازه اوراق: ۱۹/۸ * ۱۳/۳؛ عناوین: شنگرف؛ نوع جلد: مقوا.

نقد منابع محامد حیدریه

در نقد منابع یک نسخه، بنابر اصل «یُفسر بعضهم»، متون و کتب، مفسر یکدیگر هستند و می‌توان مشکلات آن‌ها را از روی هم گشود، زیرا «این سخن مشهور که اساساً در مورد قرآن کریم گفته شده، «القرآن یفسر بَعْضُهُ بَعْضاً» در مورد بسیاری از کتاب‌های مهم و کلاسیک هم صادق است» (یاحقی و سیدی، ۱۳۸۸)، لیکن جدای از خود متن، متون و کتب نیز مفسر یکدیگرند و می‌توان مشکلات آن‌ها را از روی یکدیگر حل کرد.

۱. این نسخه دارای ضمیمه‌ای ۳۵ صفحه‌ای است که محتوای آن تقریظات ۹ تن از اندیشمندان، عالمان و ادیبان هم‌عصر مؤلف و پس از وی هستند که این یادداشت‌ها از حیث ادبی و تاریخی، ارزش بسیاری دارند.

استفاده از کتاب‌شناسی در تصحیح متون به این شکل است که باید دید چه کتاب‌هایی با متن مورد نظر رابطه نزدیک دارد و از این کتاب‌ها در جای خود استفاده کرد.

محمدصادق اختر همچون دیگر نویسندگان، برای نگارش اثر خود منابعی داشته که از آن‌ها به شکل‌های مختلفی سود جسته است؛ وی به نام برخی از آثار استناد کرده و مطالبی از آن‌ها آورده که بسیار اندک هستند؛ برخی از آثار نیز هست که تنها نامی از آن‌ها برده شده و یا به صورت منبع از آن‌ها استفاده نشده و یا اگر شده، بسیار اندک و ناچیز بوده است. در برخی اوقات نیز مواردی از منابع استفاده شده و حتی عین مطلب آن اثر آمده، ولی نامی از آن اثر برده نشده است. در برخی موارد دیگر هم اشعار و ابیاتی را با ذکر نام شاعر یا بدون ذکر نام آن‌ها آورده است. در ادامه، منابعی که مورد استفاده مؤلف بوده، ارائه می‌گردد.

الأثار الباقیه عن القرون الخالیه (تألیف ابوریحان بیرونی)؛ اقبال‌نامه جهات‌گیری (تألیف معتمدخان، محمدشریف بن دوست‌محمد؛ الهام الغیب (نام و نشانی از مؤلف پیدا نشد)؛ توسط ابوالفضل بن مبارک ناگوری)؛ تحفه‌الغریب (تألیف محمد بن ایوب الحاسب طبری)؛ التفهیم لاهل التنجیم (ابوریحان محمد بن احمد بیرونی)؛ شرح چغمینی (دارای شروح مختلف)؛ دره‌التاج لغره‌الدباج (تألیف قطب‌الدین محمود بن ضیاء‌الدین مسعود شیرازی)؛ دیوان امیر خسرو دهلوی؛ دیوان حافظ شیرازی؛ دیوان کلیم کاشانی؛ رساله تحقیقات (اثر غیاث‌الدین جمشید بن محمود الطیب الکاشی ملقب به غیاث احسن)؛ رسایل تفرس و تجربه دانشوران انگلستان؛ رساله مولانا نظام‌الدین نیشابوری؛ اسکندرنامه (اثر نظامی گنجوی)؛ سوانح ملاابراهیم (شرح مصائب ملا ابراهیم تنوی)؛ شرح زیج الغ بیگی (از عبدالعلی بن محمد بیرجندی)؛ عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات (اثر شیخ ابی‌عبدالله زکریا قزوینی)؛ ابومعشر بلخی (اثر ابومعشر جعفر فلکی بلخی)؛ کلیات عبید زاکانی؛ گلستان سعدی شیرازی؛ لطائف الطوائف (از فخرالدین علی صفی)؛ مثنوی معنوی (مولانا)؛ مسالک الممالک - اثر ابراهیم بن محمد اصطخری)؛ منتهی‌الادراک فی‌الهیات (اثر مولی شمس‌الدین محمد خفری)؛ نصایح‌الملوک غزالی.

روش تصحیح

در مواجهه با یک متن، مصحح مختار نخواهد بود که هر شیوه‌ای را برای تصحیح آن برگزیند، بلکه یک شیوه و تنها یک شیوه از چهار شیوه ۱. تصحیح انتقادی متن بر مبنای نسخه اساس؛ ۲. تصحیح التقاطی؛ ۳. تصحیح بینابین؛ ۴. تصحیح قیاسی، با آن متن متناسب خواهد بود. در مواردی که شیوه کلی تصحیح متن، بر مبنای نسخه اساس یا التقاطی یا بینابین است، ولی ضبط هیچ یک از نسخه‌ها صحیح نیست، باید به تصحیح قیاسی نیز دست یازید. «تصحیح قیاسی محتاج اهلیت و تخصص و ممارست و احتیاط و دقت فوق‌العاده است؛ از

همین روی، حتی مصححان و محققان خبیر و کاردان، حتی‌المقدور از تصحیح قیاسی پرهیز می‌کنند و جز به هنگام ضرورت تمام، به سراغ آن نمی‌روند» (جهانبخش، ۱۳۸۱).

شیوه به کار گرفته شده در تصحیح محامد حیدریه، استفاده از روش تصحیح انتقادی (بر پایه نسخه اساس) است؛ روشی دشوار که متکی به قریحه نکته‌سنجی و نیازمند جستجوهای پیگیر و مداوم است. مقصود از تصحیح انتقادی بر اساس نسخه اساس، اصلاح و تصحیح ضبط‌های متفاوت و نادرست است که با مؤیدات واژگانی، زبانی، بافت و ساخت معنایی نگارش‌های عصر مؤلف و یا آثار قریب‌العهد وی، تأیید و تثبیت شود.

مصحح باید میان تصرفات سهوی/ غیرارادی و عمدی/ ابداعی کاتبان فرق بگذارد؛ به عنوان مثال، اثر خستگی و کسالت و خواب‌آلودگی کاتب را بر کارش پی بگیرد و با دقت دریابد که در بخشی از متن، شمار اشتباهات کاتب به تدریج افزایش یافته و سپس ناگهان قطع شده است. از همان جا هم تفاوتی در قلم و مرکب احساس می‌کند که از نظر یک متن‌شناس زبده، این تغییرات ممکن است نشانگر استراحت کاتب و فاصله ناشی از آن باشد. «متن‌شناس واقعی، منشأهای اشتباهات را شناسایی می‌کند: خط، آواها و قرائت، عوامل روانی و هر یک را در جای خود بررسی می‌کند و به نامی و مشخصه‌ای از دیگری ممتاز می‌نماید. کار این متن‌شناس درباره کاتب و کتابت او، به حقیقت شبیه کار روان‌شناسی است که موجودی را در دوردست تاریخ مورد مطالعه روان‌شناسانه قرار می‌دهد» (ساماران، ۱۳۷۵، ص. ۴۸/۴).

تحلیل درون‌متنی محامد حیدریه

بررسی سطح محتوایی

از راه‌های مناسب تشخیص متون خطی، بیان مباحث و مطالب آن است که چه مباحثی در فصول و ابواب آن می‌باشد. مطالعه دقیق فصول کتاب، کمک بسیاری به مصحح می‌نماید و شناساندن و استخراج آغاز و انجام کتاب از اموری است که بدان کتاب را می‌شناسند. سنت یادکردن آغاز و انجام و فهرست بخش‌های اثر، گویا نخستین بار از ابن‌الندیم آغاز شده است. او در سرگذشت جاحظ از کتاب *الحیوان* او یاد کرده و آغاز و انجام و هفت جزء آن را آورده است. او در سرگذشت اسحق بن‌ابراهیم موصلی هم ترتیب اجزای کتاب او را یاد نموده است (دانش‌پژوه، ۱۳۵۷، ص. ۲۶۳).

محمدصادق خان اختر فهرستی برای کتاب خود تنظیم و تعریف نکرده است و حتی در نسخه الف که چاپ سری است، کسی درصدد تنظیم فهرست اجمالی برای کتاب برنیامده است. او به فراخور محتوای هر بخش (فصل یا باب) از کتاب خود، عنوانی متناسب با فضای آن برگزیده است و اثر خود را مزین به ۲۰ باب و

عنوان نموده است. به دلیل طولانی بودن برخی از عناوین که سبب آن، وصف مطول غازی‌الدین حیدر است، به ذکر برخی از این عناوین اکتفا می‌گردد؛ از این جمله است:

عنوان باب اول (ص. ۱): سر به سجود آوردن خامه بدایع‌نگار در بارگاه حمد و ثنای حضرت آفریدگار؛
عنوان باب دوم (ص. [۳]^۱): صفیرانگیزی بلبیل دستان‌سرای کلک اعجاز رقم در گلزار نعت حضرت خاتم‌الأنبیا^(ص)؛
عنوان باب سوم (ص. ۵): شکفانیدن گل‌های فقرات با آب و تاب در گلشن بیان سبب تصنیف کتاب؛ ...
عنوان باب ششم (ص. ۴۳): آب و رنگ گلزار معرفت الهی به طراوت‌بخشی میرآب عقل خداداد حضرت شاهنشاهی (خدالله ملکه و سلطانه)؛ ...
عنوان باب سیزدهم (ص. ۱۵۱): مثنوی در مبارک‌باد جشن جلوس میمنت‌مانوس حضرت ظل سبحانی خلیفه‌الرحمانی ملکه و سلطنته؛ ...
عنوان باب نوزدهم (ص. ۲۴۳): لوای حیرت برافروختن در فضای سینه صاحب‌نظران و رایت تعجب بلندساختن در فُسحت ضمایر والانگهان به گزارش عجایب و غرایب ممالک محروسه حضرت خاقان سکندرشأن دارادربان و برخی از نوادر بلاد و امصار دوران؛
عنوان باب بیستم (ص. ۲۸۶): نورزیدن بساط بسیط گفتگو پس از ادای دعا و سپاس و به سرمنزل خموشی رسیدن سفیر خامه فصاحت‌اندوز بلاغت اساس.

برای نمونه عنوان باب چهاردهم (ص. ۱۶۱ و ۱۶۲) برای آشنایی مخاطب با عنوان طولانی که عرض شد، تقدیم می‌گردد: «جولانی کُمیت قلم در میدان وصف شجاعت و ثبات قلب حضرت سلطان‌الاعظم خاقان‌المعظم سرور عالی همم خسرو سلیمان‌حشم که در رزمگاه عدوبندی و جهان‌گشایی چون حیدر صفدر منصور و مظفر بر اعدای دین است و از کمال قدرت و جلالت، شجاع دوران و مبارز زمان و زمین (اللهم خلد سناء دوله و معدلته و سلطنته‌الی یوم‌الدین)».

از دیگر محتویات محامد حیدریه می‌توان به موارد برجسته تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی که در این اثر ذکر شده یاد کرد.

اختر در کتاب خود بسیاری از بزرگان علم، فرهنگ و ادب را نام برده و مطالب و اطلاعاتی در مورد آنها آورده که از جمله موارد با اهمیت این اثر محسوب می‌شود.

معرفی خطاطان و کاتبان از جمله این موارد است؛ در متن کتاب، بسیاری از خوشنویسان و کاتبان معرفی شده‌اند که از آن جمله‌اند: ابن‌مقله (محمد بن حسن) و ابوالحسن علی بن هلال؛ خواجه میرعلی تبریزی؛ مولانا معروف بغدادی؛ آقا رشیدا شاگرد و همشیره‌زاده میرعماد و نیز چند تن دیگر از این گروه.

۱. علت قرار دادن شماره صفحه عنوان/باب موردنظر درون کروشه []، ازین روست که حدود دو صفحه از صفحات آغازین نسخه الف، به اشتباه زیر چاپ نرفته است و یا ممکن است که بعد از چاپ، به هر دلیلی از کتاب جدا گشته باشد و این قرارگرفتن شماره صفحه در کروشه، نشانگر دخالت نگارندگان مقاله است.

همچنین در این اثر از بسیاری از شاعران و نویسندگان مشهور و حتی گمنام (برای ما به دلیل عدم اطلاعات کافی از ایشان)، یاد شده است؛ از ذکر عالمان و خردمندانی چون لقمان، افلاطون، فیثاغورس و دیگران گرفته تا یادکرد فلاسفه و حکمای بزرگی چون ارجاسب، جاماسب، بوزرجمهر و اطلاعات مفیدی از بزرگانی چون ناصر خسرو قبادیانی، میرداماد، سهروردی، خواجه نصیر طوسی و غیره.

مؤلف کتاب، از مشاهیر کمتر معرفی شده‌ای چون ابو عبدالله بابلی به عنوان «یکی از داناترین حکمای وقت» (ص. ۲۴۱)، ابن اعلم بغدادی که «تصانیف خود را همه در آب انداخت و نسخه‌ای که از او مانده/ کمال اخلاق هیچ کس به غور آن نمی‌تواند رسید» (ص. ۲۴۲) و ابوالقاسم که به نقل اختر «اسمش عبدالرحمن و مولد او نیشابور و او را بقراط ثانی می‌گفتند» (ص. ۲۴۳) نام برده است.

معرفی حاکمان و خادمان فرهنگ‌دوست نیز بخش دیگری از محتوای کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. برای نمونه از جمله ایشان است: «جناب غفران‌مآب حاجی محمد محسن که یکی از رؤسای عالی‌تبار شهر هوگلی بودند و چندسال است که از جهان فانی به دار جاودانی انتقال فرمودند. به اعتقاد جمهور دانشوران هندوستان، خط نسخ تا که در عالم ایجاد شده بهتر از آن مغفور کسی تا امروز ننوشته و سوای آن در اکثر صناعت ید طولی داشتند که تفصیل آن درین مختصر گنجایش‌پذیر نیست» (ص. ۱۴۸).

نقل داستان‌هایی از برخی عجایب و غرایب نیز از دیگر موارد محتوایی کتاب است: «در جزیره سراندیپ قومی از آدمیان اند که سر آن‌ها به شکل انسان باشد و تن مانند زاغ و به زبان فصیح تکلم نمایند» (ص. ۱۵۸) و یا «در حدود مغرب جانوری است بزرگ جثه که چون آفتاب برآید بزاید و بچه را در آفتاب نهد و خود بمیرد و آن بچه در یک روز بزرگ شود و بدون جفت آبستن گردد و روز دیگر که آفتاب برآید بچه بزاید و بمیرد پس عمر وی یک‌شب و یک روز باشد» (ص. ۱۶۶) و همچنین داستان طلسم‌های شهری که تختگاه نمرود بود (ص. ۳۹۸)؛ طلسم‌های دخمه انوشیروان (ص. ۳۸۱) و مواردی از این دست.

همچنین از دیگر محتویات مهم کتاب می‌توان اشاره کرد به: ذکر اطلاعات جغرافیایی و جامعه‌شناختی ولایت آچین و پادشاهی مطلق زنان در آن (ص. ۲۶۶)؛ اطلاعات شهرسازی و معماری همچون یادکرد خانه‌های برامکه (ص. ۱۸۶)؛ اطلاعاتی از حیوانات، پرندگان و غیره مثل ذکر دو گونه همای فنگی و همای کوهی (ص. ۴۰۳) و موارد متنوع دیگر، که گاه قالب آثاری با ماهیت کشکول، سفینه و بیاض را به ذهن متبادر می‌سازد.

از دیگر مشخصات و ویژگی‌های بارز محامد حیدریه، استفاده از اشعار مؤلف یعنی قاضی اختر و دیگر شاعران است که ثبت اشعار محمدصادق اختر در این اثر -که حجم قابل توجهی نیز هست- باعث اهمیت آن شده است. در این اثر در مجموع ۸۶۸ بیت شعر به کار رفته است که از این میان ۴۱۷ بیت متعلق به خود

اختر است و ۴۵۱ بیت نیز به دیگر شاعران تعلق دارد که از این میان، ۲۲ بیت از آن‌ها عربی و مابقی فارسی است.

مؤلف برای ذکر حکایات، اشعار خود و دیگران، تغییر مسیر بحث، آغازیدن بحثی جدید و ... از شیوه خاصی بهره می‌برد؛ او در ذیل عناوینی چون لراقمه (اشعار خود اختر در جایگاه ادامه و تأیید کلام)، منظوم (ذکر ابیاتی از دیگران)، مصرع (آوردن مصرعی مشهور به مقتضای کلام)، حکایت (متونی نثر به فراخور و اقتضای کلام)، فایده (جهت شرح و بسط و روشن‌گری کلام پیشین)، لمعه (به معنی پرتو و روشنی؛ به هنگام تغییر مسیر و آغاز یک بحث جدید)، بدیعه (ذکر عجایب و غرایب) و موارد دیگری چون دعائیه، لطیفه، رقعہ و غیره، به بیان مباحث خود می‌پردازد. برای مثال، آنجا که اختر به اقتضای موضوع عشق، حکایتی از یوسف (ع) و زلیخا نقل می‌کند (ص. ۸۴)، در ادامه کلام، ذیل عنوان «فایده»، به معرفی مختصر حضرت یوسف (ع) می‌پردازد (ص. ۸۵).

نکته حایز اهمیت دیگری که باید به آن اشاره شود، نقص نسخه «الف» در صفحات آغازین (صص. ۲ و ۳) است؛ بدین شرح که بخشی از سطور پایانی باب اول (سر به سجود آوردن خامه بدایع‌نگار در بارگاه حمد و ثنای حضرت آفریدگار) و نیز قسمتی از سطور آغازین باب دوم (صفیرانگیزی بلبل دستان‌سرای کلک اعجاز رقم در گلزار نعت حضرت خاتم‌الأنبیا (ص)) در اصل نسخه چاپ سنگی موجود نیست و احتمالاً به اشتباه زیر چاپ نرفته و یا ممکن است که بعد از چاپ، به هر دلیلی از کتاب جدا گشته باشد.

از شواهد حاصل‌آمده از نسخه «ج»، کاتب این نسخه یعنی فیض محمد، سنی‌مذهب بوده و از این رو، نسخه مذکور در بخش‌های مختلفی درگیر حذف متن اصلی بوده است؛ برای مثال فیض محمد باب سوم (ارائه شکفانیدن گل‌های فقرات با آب و تاب در گلشن بیان سبب تصنیف کتاب) که به مسمی‌گشتن کتاب به حکم پادشاه غازی‌الدین حیدر اشاره دارد و نیز باب چهارم (غازه‌طرزی رخساره شاهد سخن به دستگیری مُدبِح جهان‌صدر بلند قدری که مرآت جمال بی‌مثالش آسمان را رونق است و لوح سینه بی‌کینه‌اش دریای جود و عطا را زورق) را به صورت کامل حذف نموده و تقریر نکرده است. او به گونه‌ای مطلق هرگاه سخن به سمت و سوی مدح و یا یادکرد ساده غازی‌الدین حیدر سوق می‌یابد، تمام آن مطالب را کامل حذف نموده است.

در کنار تمام مطالب مذکور، در پایان محامد حیدریه نیز تقریظ ۹ نفر از دانشمندان، شاعران ایران و ادبای صاحب‌نام آن زمان آمده که در نوع خود از اهمیت خاص و ارزشمندی برخوردار است.

سطوح زبانی - ادبی محامد حیدریه

نثرهای دیوانی پس از سده دهم تا قبل از عصر قاجار، تنوع قابل توجهی از حیث نوع داشتند: نثرهای فنی معتدل تا مصنوع متکلف و همچنین نثرهای مرسل و بینابین با کیفیت‌هایی متنوع که به ویژه در جغرافیای شبه قاره گاه تأثیر جریان‌هایی چون سره‌نویسی (نگارش به پارسی سره) و چندزبانه‌نویسی (ترکی-فارسی؛ فارسی-ازبکی؛ فارسی-اردو و...) نیز در آن‌ها یافت می‌شود.

در این سطح، تمرکز بر سبک نوشته‌های خود مؤلف است که بلاغت متن نیز معمولاً از دو عامل نوع کتاب و اغراض مؤلف تأثیر می‌پذیرد. در ادامه جستار حاضر، مختصات سبکی اثر در سطوح زبانی-ادبی، در سه لایه واژگانی و نحوی (دو سطح زبانی) و بلاغی (سطح ادبی) بررسی قرار می‌گیرد.

سطح واژگانی

از جمله مهمترین وجوه مشترک در سطح واژگانی متن در طول و عرض اثر، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۱. نوشتار متفاوت حروف «گ»، «پ»، «ژ» و «چ»؛ از جمله نکات قابل توجه و مشکل‌آفرین در خوانش و تصحیح اثر، طرز نوشتن حروف مخصوص فارسی است؛ خط فارسی دری با عربی مشترک است و فقط چهار حرف «پ» و «چ» و «ژ» و «گ» مختص فارسی است و عرب‌ها در نوشتار ندارند، اما کاتبان که تحت تأثیر خط و زبان عربی بوده‌اند، این حروف را مثل عربی نوشته‌اند و در نتیجه تشخیص آن‌ها یا حروف مشابه عربی یعنی «ب» و «ج» و «ز» و «ک» آسان نیست و اشکالاتی ایجاد می‌کند؛ به عنوان مثال، بحث بر سر این که «لشکر» درست است یا «لشگر» یا چه کلماتی پسوند «کار» باید داشته باشند و چه کلماتی «گار» و آیا ممکن است مثل کامکار و کامگار به دو شکل باشد؟ ریشه در همین مقوله دارد. در نسخه‌های خطی قدیم برای این که «گ» با «ک» اشتباه نشود، اغلب سرکش آن را پیچی داده و رویش سه نقطه می‌گذاشته‌اند، ولی به طور کلی این چهار حرف را طوری نمی‌نوشته‌اند که بشود به آسانی تشخیص داد. این مسئله در کتاب محامد حیدریه نیز مشهود و عینی است؛ به کارگیری کلمه‌های دارای «گ» و کتابت آن‌ها بدون سرکش، بیشترین بازخورد را در میان این چهار حرف به خود اختصاص داده است.

- «لاله و کل (گل) از هوای دلکشایش (دلگشایش) بشکفتگی (به شکفتگی) هم کریبان (گریبان) و سوسن و صدبرک (صدبرگ) با کشاده‌رویی (گشاده‌رویی)، ثناخوان فضای جانفزایش بصد (به صد) زبان؛ نرکس (نرگس) مانند چشم خوش‌نکهان (خوش‌نگهان) دلفریبی را آماده و سنبل برنک (به رنگ) زلفِ عنبرین‌مویان، دام صد فتنه کشاده (گشاده)» (ص. ۱۳)؛

۲. وجود واژه‌های کهن و متروک که در فارسی کنونی تقریباً کاربرد چندانی ندارد یا کاربردشان بسیار اندک است و یا واژه‌های معمول با ساخت کهن یا مهجور و غریب با فراوانی نسبتاً اندک اما محسوس؛ واژگانی همچون طفیفه (ص. ۱۴) به معنی اندک و ناچیز؛ جام دوستگانی (ص. ۳۱) به معنی نوشیدن شراب به یاد دوستان؛ اندراج (ص. ۳۶) در جایگاه به آخر رسیدن، در ضمن چیزی درآمدن؛
- «ناچار جوانی را که بر پشت داشتم، به زور تمام بگردانیدم و اسب او ازین حرکت به چرخ درآمد» چراغیا [به معنی بلندشدن اسب بر روی دوپا و بالا بردن دست‌ها همچون حالت شیبه کشیدن] شد و او را بر زمین بینداخت و من فرصت غنیمت شمرده، دویدم» (ص. ۱۴)؛
۳. واژه‌هایی از زبان رایج در شبه قاره هند؛ از آنجا که اثر مربوط به خطه شبه قاره هند است، واژه‌هایی از زبان مرسوم آن دیار نیز در این اثر به چشم می‌خورد و فراوانی نسبی این واژه‌ها از شناسه‌های دیگر واژگانی کتاب در محور طولی اثر است؛ برای نمونه واژگانی چون طاری (ص. ۲۱) که نام درختی هندی در بنگاله است؛ بلبله (ص. ۶۰) یعنی ثمر درختی که به هندی بهیرا گویند؛ کالپی (ص. ۷۵) اسم شهر کوچکی در شمال هندوستان؛ لک (ص. ۱۱۴) و کرور (ص. ۱۲۹) از جمله واحدهای شمارش؛
۴. به کارگیری فراوان لغات و تعبیر عربی؛ به تبع ماهیت اثر و پیروی از سبک گلستان سعدی و شکل مسجع نثر بینابین، این مسئله اجتناب‌ناپذیر است و گاه زیاده‌روی در این مسئله، مخل گشته و شیوه نگارش سبک مصنوع را به ذهن متبادر می‌سازد. برای نمونه کاربرد فراوان واژگان و عباراتی چون المختصر (ص. ۸)، انتهی (ص. ۲۳)؛ الحاصل (ص. ۹۲) و ... مشهود و چشمگیر است؛
۵. کاربرد فراوان ترکیبات اضافی جار و مجرور به زبان عربی؛ ترکیباتی چون بالجمله (ص. ۹)، فی‌الفور (ص. ۱۱)، فی‌المثل (ص. ۲۵)، فی‌الحال (ص. ۲۷)، بالفعل (ص. ۳۰)، من بعد (ص. ۳۴)، بالنوع (ص. ۳۵) در این اثر با بسامد قابل توجه و معناداری ملاحظه می‌شود؛
۶. شکل متفاوت و خاص نوشتاری برخی واژگان؛ از این جمله‌اند واژگانی چون اوتاق (ص. ۲۷) [اتاق]؛ آردشیر [آردشیر] بابکان (ص. ۶۶)؛ قفص [قفص] (ص. ۸۲)؛ صید [سید] کونین (ص. ۸۴)؛ به بیند و نه بیند [بیند و نبیند] (ص. ۱۲۶)؛
۷. ساخت‌های جدید صرفی برای برخی کلمات و افعال؛ واژگانی چون پریستان (ص. ۱۳) ساخت اسم مکان به معنای سرزمین پری‌ها؛ غارتیده‌اند (ص. ۲۷) به معنی غارت کرده‌اند؛ پیش‌سلام (ص. ۹۹) به معنی پیشی‌گیرنده در سلام‌گفتن؛ ناسودمند (ص. ۱۰۱) به معنای بی‌فایده و غیرمفید؛

موارد مختلف دیگری چون ساخت اضافات توصیفی خاص، جمع‌های مکسر نامأنوس، چسبیدن «ب» به صورت جار و مجرور به کلمات بعد از خود، پیوسته‌نویسی برخی واژگان و مواردی از این قبیل وجود دارد که به اقتضای تنگنای گفتار، تنها به ذکر موردی آن‌ها اکتفا گشت.

سطح نحوی و دستوری

ویژگی‌هایی در سطح نحوی متن محامد حیدریه وجود دارند که از سطح هنجار نثر معیار فاصله گرفته، به آن تفرد سبکی می‌دهند؛ از جمله این ویژگی‌هاست:

۱. کاربرد ویژه شناسه فعلی «اند»؛ برای مثال:
 - «و مشیران ملوک کامکار و وزیران سلاطین عالی‌مقدار که در زمان سابق، رایت درایت برافراخته‌اند و به انتظام امور دولت و سرانجام مهام مملکت پرداخته، بیرون از قید شمار و افزون از دایره انحصاراند [انحصارند]» (ص. ۲۱) که به قرینه و پیروی از فعل قبلی، به این شکل آمده است.
 - و نیز در شاهد مثال‌های ذیل:
 - «از سخنان او [أمون رشید] ست که اقربا به منزله مواند [موی هستند] بر اعضا که بعضی از آن‌ها را بیاریند و عزیز دارند و بعضی را بیوشند و دور کنند» (ص. ۲۹)؛
 - «آنان که ز جام معرفت سرشاراند در خلوت دیده غیر را نگذارند» (ص. ۵۸)؛
۲. جابه‌جایی ارکان جمله؛ به مقتضای سبک نوشتاری اثر، این مقوله در متن کتاب، چشم‌نواز است.
 - «ازین جهت راقم حروف که راه اختصار پیموده و سلوک طریق اقتصار اختیار نموده، اشخاص چند را ازین گروه دانش‌پژوه که به زیور ذهن و ذکاء و حلیه جود و سخا آراستگی داشته‌اند، درین کتاب ذکر نمود» (صص. ۲۱ و ۲۲)؛
 - «گفت: ای بطل! آیا بر تو روشن نیست که اختیار کند عشق و محبت را آن کس که واجب گرداند بر خود خواری و مذلت را، اما ذلت وی در ظاهر است و عزت وی در باطن» (ص. ۸۸)؛
 - «اشراقین آن کسانند که الواح عقول خود را از نقوش کونیه پاک کردند، تا طلوع کرد بر آن‌ها لمعات انوار حکمت از نفس افلاطون، بدون توسط [واسطه‌گری] عبارات و تخلل اشارات» (ص. ۱۰۰)؛
۳. کاربرد خاص افعال در معنای همکردی و متفاوت: استفاده از افعال پرکاربرد همکردی با نقش تام و معنای ناآشنا که محتملاً تحت تأثیر نحو عامیانه جغرافیای مؤلف هستند و معانی آن‌ها با نقش و معنای متناظر آن‌ها در نثر هنجار خود شده است؛ مانند این که می‌گوید:

- «آن شخص به جهت منفعت خود، به تزویر خط یحیی را تقلید نموده، این همه راه دور و دراز پیموده، لاجرم با وی به شدت پیش آمد» [با او عناد و دشمنی ورزید] (ص. ۳۰)؛
- «چون بحر دلش به جوش آمد و طاققت ضبط جواب داد» [دیگر طاقتی نماند] (ص. ۹۴)؛
- «آورده‌اند که جناب رسالت‌مآب (ص) با مردم به سخن مشغول بودی و اخلاق کردی [با حُسن خُلُق رفتار می‌نمود]، اما چون وقت نماز در آمدی، چنان حال بر وی متغیر شدی [احوال درونی‌اش دگرگون می‌شد] که گویی هیچ کس را نشناخته و با هیچ یک آشنایی نداشته» (ص. ۵۳)؛
۴. به کاربردن «ه» به جای «ای» و نیز «ئی» به جای «بی»؛ این ویژگی بازخورد و بسامد بالایی در محامد را به خود اختصاص داده است.
- «تو از من رنجیده [رنجیده‌ای] می‌خواهم که آن کدورت به صفا مبدل شود» (ص. ۳۲)؛
- «جناب حسین، شهید کربلا (علیه التحیه و الثنا) از پدر بزرگوار خود پرسید که ای پدر! مرا دوست می‌داری؟ جواب داد: چرا ندارم که تو نور دیده [دیده‌ای]، سرور سینه [سینه‌ای]، فرزند شایسته [شایسته‌ای]، دلبند بایسته [بایسته‌ای] (ص. ۸۴)؛
- «ای لیلی! در این چه سریست که هرگاه آن بیچاره از خانمان آواره به آستانه تو می‌آید، سگان را بر وی می‌گشائی [می‌گشایی] و همین که یک شبی نیامد، این همه اضطراب مینمائی» (ص. ۹۵)
- [می‌نمایی]؟
- همچنین گونه‌های دیگری از ویژگی‌های سبکی اثر را که در سیطره مباحث نحوی و دستوری مشهود است، می‌توان در گزاره‌های برگزیده‌ای که در ادامه می‌آید، مشاهده نمود. با توجه به مجال اندک مقال، تنها ذکر چند شاهد مثال کفایت است.
- «گویند رای اسقلیوس اول در علم طب مقصور بر تجربه بود، زیرا که این فن او را از باعث تجربه حاصل شده بود» (ص. ۱۰۱) [این مهارت را از روی تجربه کسب کرده بود]؛
- «جواب داد که به هیچ می‌دانید که [آیا هیچ می‌دانید] در حضرت که استاده می‌شوم [در حضور چه کسی ایستاده‌ام] و با که سخن می‌گویم؟ آری گزارنده نماز، اگر به یقین کامل داند که به حضور که استاده است [در پیشگاه چه کسی ایستاده است] و با که مناجات می‌کند، التفات به سوی اغیار را فرو گذارد و ساحت دل از خس و خاشاک اندیشه ماسوی پاک دارد» (ص. ۵۳)؛
- «پدرم که عم وی بود او را با من وصلت کرده داد» (ص. ۵۹) [او را به نکاح من درآورد].

سطح بلاغی

گلستان سعدی شیرازی به عنوان یکی از شاهکارهای نثر فارسی، همیشه مورد توجه بسیاری از شاعران و نویسندگان ادیب پس از خود بوده تا جایی که غیر از ایران، در شبه قاره هم سرمشق ادیبان و منشیان قرار گرفته و کتاب‌های متعددی به تقلید از این اثر، نگاشته شده است و نظیره‌سازی گلستان در شبه قاره از روزگار جهانگیرشاه (حکو. ۱۰۳۷-۱۰۱۴ ق) آغاز شد.

این آثار که به نظیره از گلستان آفریده شده‌اند، گاهی برای هنرنمایی ادبی و زمانی برای تعلیم و تهذیب اخلاق بوده است. از جمله مهمترین این آثار که در شبه قاره به تقلید از اثر مذکور به رشته تحریر درآمده است، می‌توان به معدن جواهر تألیف ملاطرزی دهلوی؛ گوهرستان تألیف حسام‌الدین بنارسی کروی؛ شکرستان تألیف میرمحمد مؤمن عرشی اکبرآبادی؛ چمنستان تألیف آنندرام لاهوری؛ شکرستان تألیف میرقمرالدین منت دهلوی؛ اخلاق ضیایی تألیف محمدضیاء بن احمدشاه؛ نکات احسانی اثر حکیم احسان علی؛ غنچه صهبایی از تألیفات صهبایی دهلوی؛ حکایات به طرز گلستان تألیف هدایت‌علی تمکین کندرکھوی و دبستان مشرقی یا دبستان تألیف قطب‌الدین مشرقی اشاره کرد.

مؤلف محامد حیدریه نیز بر آن است تا به تقلید از گلستان سعدی، نظیره‌ای هم‌سنگ با آن پدید آورد؛ از این رو بهره‌بردن از آرایه‌های کلامی، قوت دوچندانی به خود می‌گیرد. اختر در آغاز هر بحث و عنوان، نخست به لفاظی و سخن‌آرایی بی‌بدیلی می‌پردازد و در ادامه کلام، زمان نقل از اطراف و اکناف و حکایات و روایات مختلف، به سوی سبک مرسل و روان، سوق یافته و سبک نوشتاری‌اش، مستحیل می‌گردد.

۱. ساخت تشبیهات و استعاره‌های بکر و بدیع: گاه این سودمندی در کتاب محامد، شکل مخل به خود گرفته و یادآور آثار مصنوع می‌گردد؛ گویی نویسنده نه به اقتضای موضوع و کلام، بلکه جهت خودنمایی در قالب فخر زبانی و توسع واژگانی، بیشتر از این ویژگی بهره می‌جوید.

– «دارالخلافت شهریار عالی‌وقار است، پیش معموریش، معموره رُبع مسکون را ویرانه‌ای بیش گفتن نشاید و در مقابل وسعتش، فضای عالم تنگ‌تر از چشم سوزن نماید. صفاهان اگر از خاکِ قدمِ مردمان این مقام، سُرْمه دیده خود سازد، بجاست و مصر اگر به بوی پیراهن یوسف طلعتان این شهر، جامه در نیل کشد روا. حور بهشتی اگر پری‌رخان این پرستان را می‌دید، شعله‌های رشک و حسد از کانونِ سینه‌اش به رنگ آتش سوزان سعیر زبانه می‌کشید و نسیمی اگر از کوچه این فردوس‌البلاد بر رخ دوزخ می‌وزید، زبان آتشکده جهنم، پی طعن و طنز، بر گلزار ابراهیم دراز می‌گردید» (ص. ۷)؛

- «به دریافت این نویدِ معین امید، چنگ بر دامن بخت خود زدم و دست در آستین طالع آویختم» (ص. ۸)؛
- «در ایام حکومت سلطان میرزا سنه نهصد و ده، کاتبِ قضا نام او را از جریده احیا محو نمود» (ص. ۳۸)؛
۲. بازی با واژگان با انگیزه تفاخر و به رخ کشیدنِ توان سخنوری: گاه این مسئله، باعث چربش لفظ بر معنا می‌گردد؛ مثال:
- «و بعد انقراض آن دولت چون در کمان‌داری بی‌نظیر بود، کمان ابروان تیرانداز تبریز او را چون قبضه کمان از دست یکدیگر می‌کشیدند و در آخر عمر به واسطه آن که تیر قامتش از بار پیری مانند کمان خم‌گردید و ضعف و شکستگی به حالش راه یافت، گوشه‌گیر شده در سال نهصد و چهل و دو از کمان‌خانه جهان چون تیر به در رفت و از رنج کشمکش دنیای فانی برآسود» (ص. ۹۰)؛
۳. کاربرد فراوان صنعت سجع: از جمله ویژگی‌های بلاغی اثر که به تبع نظیره‌نویسی گلستان، به‌کارگیری از آن، امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری می‌نماید.
- «در آن روز به حمام در آمد و قصد فصد [شکافتن رگ جهت درمان] کرد» (ص. ۳۳)؛
- «چون بیدار شد و طلوعه روز ظاهر گردید، آن حضرت کمر تفحص بر بست و در اطراف کوه طواف می‌کرد و در تفتیش گنج، رنج می‌کشید» (ص. ۳۵)؛
- «شکر شکر برو بپاش و به قاشق استغفار بگردان و به وقت سحر بنوش» (ص. ۶۰)؛
- «چون حجاج به نیت حج متوجه شدند، او نیز سامان سفر راست کرده، با ایشان در مرافقت، موافقت نمود» (ص. ۸۵)؛
- هرگاه ازین فارغ شود، دلش به استقبال حکمت خواهد شتافت و از آن گنج بی‌قیاس به قدر قدرت و توانایی خواهد برداشت» (ص. ۹۷)؛
۴. کاربرد فراوان صنعت کنایه و ساخت کنایات نو و بدیع؛ شواهدی بر مدعای بلاغی:
- «ای خلیفه! از خدا شرم دار و از غضب او بترس! تو خود فرمان دادی تا او را کشتیم، مأمون این سخن را نشنیده، تن قاتلان را از بار سر سبک‌دوش گردانید» (ص. ۳۳) [تن را از بار سر سبک‌گردانیدن: کنایه از کشتن و به قتل رساندن]؛
- «در عالم بی‌اختیاری، تاب آداب دیده بر زمین دوختن نیاورده، مردم نگاه را به یمین و یسار سریع‌السیر نمودم» (ص. ۱۰) [آداب دیده بر زمین دوختن: کنایه از حیا و چشم‌پاک بودن]؛

- «چندان نعره غم‌انگیز درد‌آمیز زخم و فریاد جگرسوز از سینه محنت اندوز برکشم که هیچ کس را خیال گرد گردیدن نباشد» (ص. ۸۷) [گرد گردیدن: کنایه از طواف کعبه نمودن]؛
- «عاشق تو رخت هستی خود را به سیل دریای فنا انداخت و چهره عاشقی را آبی بیفزود» (ص. ۹۴) [کنایه از: بر آبروی عاشقی افزودن]؛
۵. کاربرد فراوان حذف به قرینه از نوع لفظی و معنایی؛ شاهد مثال‌های ذیل در راستای روشنگری مقوله مذکور اراده می‌گردد:
- «تا [حد] امکان از عقوبت مجرم احتیاط می‌کردند» (ص. ۶۷)؛
- «راست [است] که اخلاق حسنه، شریف‌ترین نعمت‌هاست، کسی که به این نعمت تنعم دارد هم نیکوکاری دنیا او را دست داده است و هم رستگاری عقبی» [او را دست داده است] (ص. ۶۸).

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا برای نقد متنی یک اثر کمتر شناخته شده، بر مبنای الگوی مستحصل از رویکرد نقد متنی، عمل شود؛ بدین‌گونه که شناخت‌نامه نقد متنی محامد حیدریه، در دو سطح «درون‌متن» و «برون‌متن»، ترسیم شد. مطابق این الگو، محامد حیدریه:

از دیدگاه شناسنامه متن شناختی: اثر ارزشمندی به نثر است که توسط محمدصادق خان اختر در سال ۱۲۲۹ هجری قمری با انگیزه درباری و با رویکردی تعلیمی و پندآموز تألیف شده و به پادشاه شهر آوده، غازی‌الدین حیدر تقدیم گشته است. این اثر به عنوان یک متن ادبی-تاریخی از یک شاعر شیعی و یکی از آثار برجای مانده از روزگار اقتدار زبان فارسی در سرزمین هند، اهمیت و ارزش ادبی-زبانی گران‌سنگی دارد و از آنجایی که محامد حیدریه به نظیره از گلستان سعدی آفریده شده است، گاهی مسیر هنرنمایی ادبی و کلامی و زمانی نیز شیوه تعلیم و تهذیب اخلاق و نفس را پیش می‌گیرد.

از دیدگاه نقد منابع: محمدصادق اختر همچون دیگر نویسندگان، برای نگارش اثر خود منابعی داشته که از آن‌ها به انحاء مختلف سود جسته است؛ وی به نام برخی از آثار استناد کرده و مطالبی از آن‌ها آورده که بسیار اندک هستند. برخی از آثار نیز وجود دارد که تنها نامی از آن‌ها برده شده و یا به صورت منبع از آن‌ها استفاده نشده و یا اگر مورد استفاده قرار گرفته، بسیار اندک و ناچیز بوده است. در چند مورد نیز به رغم استفاده از برخی منابع و ذکر عین مطلب از آن اثر، نامی از آن به میان نیامده است.

از دیدگاه روش تصحیح: با نگاه به رویکرد نقد تطبیقی نسخه‌های بر جای مانده و جایگزینی اجتهاد با استدلال و تبیین اولویت ضبطی و ویرایش با روش نسخه اساس، بهترین استراتژی تصحیح است؛ با توجه به سه نسخه بر جای مانده از اثر، شیوه به کار گرفته شده در تصحیح محامد حیدریه نیز استفاده از روش تصحیح انتقادی (بر پایه نسخه اساس) است؛ روشی دشوار که متکی به قریحه نکته‌سنجی و نیازمند جستجوهای پیگیر و مداوم است. مقصود از تصحیح انتقادی بر اساس نسخه اساس، اصلاح و تصحیح ضبط‌های متفاوت و نادرست است که با مؤیدات واژگانی، زبانی، بافت و ساخت معنایی نگارش‌های عصر مؤلف و یا آثار نزدیک به زمان زیست‌وی، تأیید و تثبیت شود.

از دیدگاه تحلیل محتوا: اختر به فراخور محتوای هر فصل یا باب از کتاب خود، با ذکر عنوانی متناسب با فضای آن بخش، اثر خود را مزین به ۲۰ باب نموده است. او در کتاب خود بسیاری از بزرگان علم، فرهنگ، ادب و هنر را یاد کرده و مطالب و اطلاعاتی در مورد ایشان آورده است. وی همچنین به نقل داستان‌هایی از برخی عجایب و غرایب نادر پرداخته است. از دیگر محتویات محامد حیدریه می‌توان به موارد برجسته تاریخی، فرهنگی و جغرافیایی که در آن ذکر شده، یاد کرد. معرفی حاکمان و خادمان فرهنگ‌دوست، ذکر اطلاعات جغرافیایی و جامعه‌شناختی، اطلاعات شهرسازی و معماری، اطلاعاتی از حیوانات، پرندگان و غیره از دیگر موضوعات اثر مورد بحث است که این تنوع موضوعات و محتوای محامد حیدریه، گاهی هیئت و قالب بیاض، کشکول یا سفینه را به ذهن متبادر می‌سازد.

از دیدگاه تحلیل زبانی - ادبی متعلق به قلم نویسنده و نثر مؤلف، در سطوح سه گانه واژگانی، نحوی و بلاغی: از جمله مهمترین وجوه مشترک در سطح واژگانی متن در طول و عرض اثر می‌توان به این موارد اشاره کرد: نوشتار متفاوت حروف «گ»، «پ»، «ژ» و «چ»؛ وجود واژه‌های کهن و متروک زبان فارسی؛ وجود واژه‌هایی از زبان رایج در شبه قاره هند؛ به کارگیری فراوان لغات و تعابیر عربی؛ شکل متفاوت و خاص نوشتاری برخی از واژگان؛ ساخت‌های جدید صرفی برای برخی کلمات و افعال.

ویژگی‌هایی نیز در سطح نحوی متن محامد حیدریه وجود دارند که از سطح هنجار نثر معیار فاصله گرفته، به آن تفرد سبکی می‌دهند؛ از جمله این ویژگی‌هاست: کاربرد ویژه شناسه فعلی «اند»؛ جابه‌جایی ارکان جمله؛ کاربرد خاص افعال در معنای همکردی و متفاوت؛ کاربرد فراوان «لۀ» به جای «ای» و نیز «ئی» به جای «یی».

در سطح بلاغی نیز با توجه به تلاش مؤلف جهت آفرینش نظیره‌ای بر گلستان سعدی، نکات قابل تأمل و ارزشمندی مشهود است که به رغم رویکرد تعلیمی اثر، محامد حیدریه جوانگاهی برای هنرنمایی نویسنده به مدد بهره‌گیری از آرایه‌های کلامی می‌گردد؛ از مهمترین آنهاست: ساخت تشبیهات و استعاره‌های بکر و

بدیع؛ بازی با واژگان با انگیزه تفاخر؛ کاربرد فراوان صنعت سجع؛ کاربرد فراوان صنعت کنایه و آفرینش کنایات نو و بدیع، کاربرد فراوان حذف به قرینه از نوع لفظی و معنایی.

منابع

- پیش‌نمازاده، قدرت‌الله (۱۳۸۱). «آموزش نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی»، پیام بهارستان ۶(۷)، ۴۲-۵۵.
- جهانبخش، جويا (۱۳۷۸). *راهنمای تصحیح متون*، تهران: میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۸۱). «تصحیح متون کهن: مفهوم، عناصر، روش‌ها ۲»، پژوهش و حوزه، ۱۱(۴)، ۱۱۶-۱۲۶.
- _____ (۱۳۸۷). «تأملات نظری کارآمد در تصحیح متون ادبی»، آینه میراث، ۹(۴۲)، ۷۳-۲۴.
- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۷). *نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران*، تهران: دانشگاه تهران.
- ساماران، شارل (۱۳۷۵). *روش‌های پژوهش در تاریخ*، گروه مترجمان، جلد ۴، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (ع).
- سکسینه، رام‌بابو (بی‌تا). *تاریخ ادب اردو*، ترجمه میرزا محمد عسگری، کراچی: غضنفر آکادمی.
- صبا، مظفر حسین (۱۳۴۳). *تذکره روز روشن*، به کوشش محمدحسین رکن‌زاده آدمیت، تهران: علمی فرهنگی.
- فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی: نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، تهران: سخن.
- فقیری، غلام‌محمد؛ جهانگیری، نادر؛ فتوحی، محمود (۱۳۸۶). «الگوی ساختاری نقشی برای سبک‌شناسی گفتمان انتقادی»، *مطالعات ترجمه*، ۵(۱۹)، ۶۰-۴۰.
- قادربخش، تاگور (۱۹۶۶ م). *تذکره گلستان سخن*، لاهور: کلام.
- قائمی، فرزاد (۱۳۹۱). «معرفی انتقادی، متن‌شناسی و نقد متنی حماسه ناشناخته شاهنامه اسدی»، *جستارهای ادبی*، ۴۴(۱۷۸)، ۱۰۵-۱۳۱.
- قائمی، فرزاد (۱۳۹۵). *متن‌شناسی انتقادی نسخ یکی از نظیره‌های شاهنامه فردوسی (شاهنامه اسدی) و ارائه الگوی علمی جدیدی برای ارزیابی کیفی - کمی نسخ یک متن به یاری مطالعه موردی، مجموعه مقالات همایش شاهنامه پس از شاهنامه، مشهد: ۳۴۰-۳۶۴*.
- وردانک، پیتر (۱۳۸۹). *مبانی سبک‌شناسی*، ترجمه محمد غفاری، تهران: نی.
- هارون، عبدالسلام محمد (۱۴۱۴ ق). *تحقیق‌النصوص و نشرها*، طبعه الثانی، قاهره: مؤسسه الحلبي.

References

- Daneshpazhoh, M. T. (1978). *Journal of Manuscripts of Central Library of University of Tehran*, Tehran: University of Tehran. (in Persian)
- Faghiri, G., & Jahangiri, N. (2007). Structural –rolr pattern for critical discourse stylistics, *Study of translation*, 5(19), 40-60. (in Persian)
- Fotuhi Roodmejani, M. (2012). *Stylistics: Theories, Approaches, and Methods*, Tehran: Sokhan.
- Ghaderbakhsh, T. (1966). *Tazkereh Golestan Sokhan*, Lahour: Kalam. (in Persian)

- Ghaemi, F. (2012). A Critical, Linguistic and Textual Critique of the Unknown Epic of Shahnameh Asadi, *Jostarhaye Adabi*, 44(178), 105-131. (in Persian)
- Ghaemi, F. (2016). Critical study of a Ferdowsi Shahnameh (Asadi's Shahnameh and Presenting a New Scientific pattern for the Qualitative-Quantitative Evaluation of a Text-Based Case Study, *Proceedings of Shahnameh Conference after Shahnameh*. Mashhad, 340-364.
- Haron, A. M. (1992). *Tahghigh Alnosos VA Nasrohah*, ed. 2nd. Cairo: Alhalabi.
- Jahanbakhsh, J. (1999). *A handbook of correction of Texts*, Tehran: Miraseh Maktob. (in Persian)
- Jahanbakhsh, J. (2002). Correcting of Ancient Texts: Concepts, Elements, Methods, *Pazhohesh and Howzeh*, 11(4), 116-126. (in Persian)
- Jahanbakhsh, J. (2008). Effective theoretical surveys on Correcting Literary Texts, *Ayneh Miras*, 9(42), 24-73. (in Persian)
- Pishnamazzadeh, G. (2002). Education of Prescription and Cataloging Manuscripts, *Payameh Baharestan*, 6(7), 42-55. (in Persian)
- Saba, M. H. (1955). *Tazkareh Roozeh Rowshan*, ed. Roknzadeh Adamiyat. M. H. Tehran: Elmi and Farhangi. (in Persian)
- Saksineh, R. (n.d.). *History of Urdu language*, tr. Asghari, M.M, Karachi: Ghazanfar Academy.
- Samaran, S. (1996). *Research Methods in History*, Translators group, 4, Mashhad: Islamic Research Foundation. (in Persian)
- Wardank, P. (2008). *Basics of stylistics*, tr. Ghaffari, M. Tehran: Ney. (in Persian)

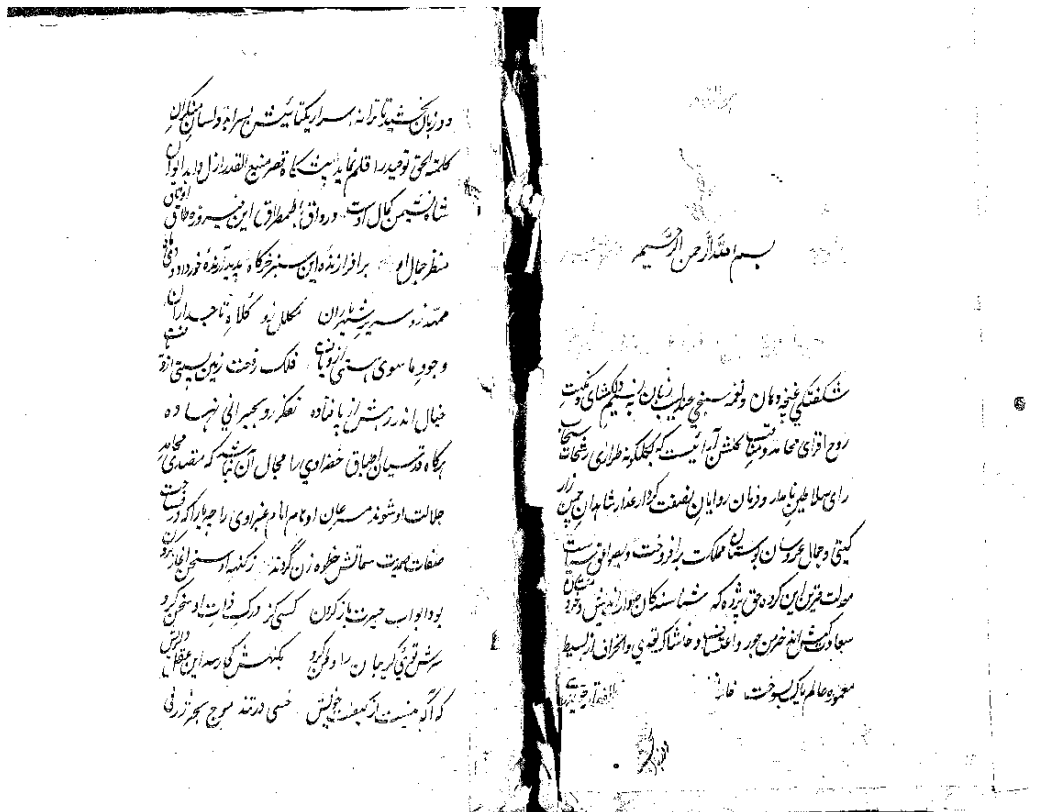
پیوست



عکس ۱. نسخه «الف» به شماره ۴۶۹۴۸



عکس ۲. نسخه «ب» به شماره ۱۷۶۲۴



عکس ۳. نسخه «ج» به شماره ۲۸۵۲۱